

گزارشی از تغییرات خانواده در ایران

خانواده‌های نقلی

با افزایش ابعاد و وسعت جامعه، کار کردها و وسعت خانواده کم می‌شود و با وجود همه تغییرات شکلی و کارکردی، خانواده هنوز بین مردم ارزش بالایی دارد



روشنک مشتاق | خانواده یک روز با ازدواج زن و مرد متولد می‌شود، رشد می‌کند و دست آخر با مرگ همسر و ترک خانه از سوی فرزندان می‌میرد. خانواده کوره تغییرات است، در قدیم یک شکل بود و امروز شکلی دیگر. در گذشته خانواده هم محلی برای زندگی و هم مکانی برای کار اعضا بود، همه باهم کار و همه باهم مصرف می‌کردند. خانواده، قدرتمند بود و این قدرت بر اساس سن و جنس بین اعضا تقسیم می‌شد، مردها و مسن‌ها قدرتمند بودند و زن‌ها و کودکان باب اطاعت. پدر دستور می‌داد و با گفتن «چشم» از سوسوی زن و فرزند موضوع تمام می‌شد. اما این روزها خانواده کوچک شده، دو، سه یا حداکثر چهار یا پنج نفر در هر خانواده زندگی می‌کنند. پدر، مادر و فرزندان، این است شکل جدید خانواده‌های امروزی. دیگر خبری از پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانه‌ها نیست، آنها یا تنها هستند یا در گوشه خانه سالن‌اند انتظار فرزندان‌شان را می‌کشند.

طلاق، پیر و جوان نمی‌شناسد

زن کنج دیوار جا گرفته و مرد جوروی نگاه می‌کند و حرف می‌زند انگار که گرگ در مقابل بره است، هنوز جای انگشتانش روی صورت زن معلوم است که از قبل مانده، آن طرف پیرزن ناله کنان، با دست‌وپای درناک خود را به اتاق رئیس می‌کشد و با تقسیم و آیه می‌خواهد که مهریه بخشیده شده‌اش را زنده کند تا آلودگی بگیرد و کارش به گوشه خانه سالمندان نکشد. رئیس هم برای بار هزارم توضیح می‌دهد که قبلا مهریه‌ها را فروخته‌ای و خرج زندگی‌ات کرده‌ای، دیگر حقی نداری، پیرزن هم ناله می‌کند که جوان بودم و شوهرم نیاز داشت، زمین مهریه‌ام را فروختم که به زخم زندگی بزند و کسب‌وکار راه بیندازد، حالا که سر و وضعی به هم زده دیگر من را نمی‌خواهد و می‌خواهد زن جوان بگیرد، من مهریه‌ام را می‌خواهم و آقایی رئیس باز توضیح می‌دهد که مهریه‌ات را با رضایت خودت فروختی، دیگر حقی نداری.

این روزها بعضی از زندگی‌ها به تلنگری از بین می‌روند، زن و شوهری که با کلی امید و آرزو پای سفره عقد نشستند، حالا در راهرو دادگاه، پرونده به دست، روزهای خوش خود را در خلاصی از زندگی مشترک می‌بینند. قدیم هر کس می‌خواست طلاق بگیرد، باید به کل خانواده جواب پس می‌داد و در نهایت با ریش سفیدی و پادرمیانی بزرگ‌ها موضوع ختم‌به‌خیر می‌شد، اما الان دری به تخته می‌خورد نخستین راه‌حل طلاق است و رواج این‌پدیده، خانواده‌ها را آسیب‌پذیر کرده است.

این میان بعضی‌ها معتقدند کم‌بودن طلاق در زمان قدیم ناشی از صبر و تحمل قدیمی‌ها نیست، بلکه نگرش به این پدیده تغییر کرده است. در قدیم زن و مرد اگر هم مشکلات‌شان زیاد بود و دچار طلاق عاطفی می‌شدند، از ترس حرف مردم و به دلیل «ایبو» بودن طلاق جرأت این کار را نداشتند و تا آخر می‌ساختند، می‌سوختند و دم نمی‌زدند اما این روزها با تغییر نگرش مردم به طلاق، دادگاه‌ها و خانواده شاهد تعداد زیادی افراد سالمندان است، چراکه برخی از سالمندان و میانسالان که از

زندگی مشترک خود ناراضی هستند، با آن آب و گل در آمدن فرزندان و فرستادن آنها به خانه بخت، دیگر زندگی همراه با مشکل را تحمل نمی‌کنند و تصمیم می‌گیرند.

میرحسینی موضعی را درباره افزایش طلاق در بین سالمندان، این‌گونه بیان می‌کند: «در قدیم امید زندگی فرد کمتر بود، برای مثال در سال ۱۳۰۰ که امید به زندگی افراد نزدیک به ۳۵ سال بود، یک دختر که در ۱۵ سالگی ازدواج می‌کرد شاید فقط ۲۰ سال می‌توانست با همسرش زندگی کند و مرگ همسر یا خودش طول مدت ازدواج را کم می‌کرد، اما این روزها افزایش طول زندگی

مشترک به دلیل افزایش امید به زندگی و با وجود افزایش سن ازدواج که نزدیک به ۴۰ سال می‌رسد، شاید یکی از عوامل افزایش طلاق این امر باشد که افراد در معرض طلاق بیشتر شده‌اند، چراکه طول زندگی مشترک در اثر افزایش امید به زندگی افزایش یافته است.»

دیگر کسی اجاقش کور نیست

در قدیم، هنوز چند ماه از «بلبه» گفتن بر سفره عقد نگذشته بود که سوال زنان فامیل از «توراهی» شروع می‌شد، اگر زندگی به یک‌سال می‌رسید و خبری از بچه نبود، پیچ‌ها نقل‌ونباتی می‌شد بر سر عروس، که فلاتی نازا یا اجاقش کور است، اما امروزه هم اصطلاحات نام‌آنوس شده است. میرحسینی در این باره می‌گوید: «در سال‌های گذشته، مدت زمانی که زوجین در هر مرحله از چرخه خانواده می‌گذرانند، تغییر کرده است، نخستین مرحله چرخه خانواده بی‌فرزندی اولیه است که از زمان ازدواج زوجین تا تولد نخستین فرزند به طول می‌انجامد که فرزند به طول افزایش مدت اخیرا شاهد افزایش مدت

زمان این مرحله هستیم، چراکه زوجین بعد از ازدواج به دنبال ثبات شغلی و اقتصادی، باروری را برای چندین سال به تعویق می‌اندازند. این روزها وقتی زن و شوهری ازدواج می‌کنند، حداقل تا دو یا سه‌سال اول ازدواج، هیچ‌کس انتظار فرزنددار شدن آنها را ندارد و کمتر پیش می‌آید دختری به دلیل بی‌فرزندی در سال‌های اولیه ازدواج با عنوان «نازا» یا «اجاق کور» خطاب شود.

زنان، دوشادوش مردان

جان ویکس محقق و جمعیت‌شناس معتقد است: «تغییرات خانوادگی ناشی از افزایش برابری جنسی زنان و مردان است». از قدیم می‌گفتند

زنان در آن واحد می‌توانند چند کار را باهم انجام دهند، کاری که مردان در انجام یکی از آنها هم می‌مانند. شاید در اطراف‌تان زنان زیادی دیده باشید که کار می‌کنند و به همسررداری و بچه‌داری می‌پردازند و در همه این کارها نیز موفق هستند. هر چند محققان می‌گویند زنان می‌توانند چند کار را باهم انجام دهند، اما این بیانگر درست و کامل انجام‌دادن آنها نیست. اما چند مسئولیتی زنان، خانواده را متحول کرده است، قدیم مردان بیرون از خانه کار می‌کردند و زنان مسئولیت‌های خانه را برعهده داشتند، مسئولیتی که در بزرگ کردن بچه، تمیز کردن خانه، غذا درست کردن و...

خانواده‌ها با همسر و فرزندان، این است شکل جدید خانواده‌های امروزی. دیگر خبری از پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانه‌ها نیست، آنها یا تنها هستند یا در گوشه خانه سالمندان انتظار فرزندان‌شان را می‌کشند

«با گذشت زمان، زنان در اکثر نقاط جهان از فرصت‌های زندگی بیشتر و بهتری بهره‌مند شده‌اند، فرصت‌هایی که به آنها اجازه می‌دهد در بیرون از خانه تحصیل و کار کنند، بیمه شوند و استقلال اقتصادی پیدا کنند. همه این عوامل دست‌به‌دست هم داده تا زنان بتوانند به تنهایی مهاجرت و زندگی کنند، پایه‌های مردان کار کنند و از حقوقی برابر با مردان بهره‌مند شوند و نسبت به بی‌توجهی به حقوق خود اعتراض کنند. در ایران نیز زنان نسبت به گذشته از فرصت‌های زندگی و اجتماعی بیشتری برخوردار شده‌اند و نگرش جامعه به آنها، کار و تحصیل‌شان تغییر کرده است، برای مثال در سال ۵۳ در مطالعاتی

که در تهران انجام گرفت تنها ۲۱ درصد مردان حاضر بودند که زنان‌شان شاغل باشند، اما در مطالعه مشابهی که در سال ۷۴ انجام گرفت، ۳۱ درصد از مردان با اشتغال زنان‌شان مشکلی نداشتند، همچنین این‌روزها سهم دختران از دانشگاه، مهاجرت مستقل و تجردزستی بیشتر از پسران شده که همه این موارد نشان‌دهنده تغییر در فرصت‌ها برای زنان است.»

زندگی در خانه‌ای نو

روزهای نخستین زندگی در خانه پدری و در گوشه‌ای از حیاط در کنار اتاق‌های دیگر که بقیه بچه‌ها با همسر و فرزندان‌شان زندگی می‌کردند، آغاز می‌شد، اما سال‌هاست که این نوع زندگی کمتر دیده می‌شود و رفتن به خانه‌ای مستقل از شروط اصلی دختران است که در موقعیت و سن ازدواج هستند. میرحسینی در این باره می‌گوید: «رسم پسر مکانی سال‌هاست که فراموش شده است. این روزها کمتر جوانی را می‌بینیم که بعد از ازدواج دست همسرش را بگیرد و «با گذشت زمان، زنان در اکثر نقاط جهان از فرصت‌های زندگی بیشتر و بهتری بهره‌مند شده‌اند، فرصت‌هایی که به آنها اجازه می‌دهد در بیرون از خانه تحصیل و کار کنند، بیمه شوند و استقلال اقتصادی پیدا کنند. همه این عوامل دست‌به‌دست هم داده تا زنان بتوانند به تنهایی مهاجرت و زندگی کنند، پایه‌های مردان کار کنند و از حقوقی برابر با مردان بهره‌مند شوند و نسبت به بی‌توجهی به حقوق خود اعتراض کنند. در ایران نیز زنان نسبت به گذشته از فرصت‌های زندگی و اجتماعی بیشتری برخوردار شده‌اند و نگرش جامعه به آنها، کار و تحصیل‌شان تغییر کرده است، برای مثال در سال ۵۳ در مطالعاتی

برای زندگی به خانه پدری بیاورد و اغلب آنها بعد از ازدواج به خانه‌ای جدید می‌روند. اما موضوعی که به‌تازگی رایج شده و اهمیت ویژه‌ای دارد، پدیده نوکمانی در بین فرزندان مجرد است، به عبارتی این‌روزها جوانان بعد از این که به سن قانونی رسیدند و توانستند استقلال مالی داشته باشند، ترجیح می‌دهند به‌صورت مستقل و به دور از والدین زندگی کنند که این پدیده شاید تجربه جدیدی برای آنها باشد، اما ازدواج به دنبال آن فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازد.»

باروری کاهش یافته

زودیک به ۵۰ سال پیش تعداد بچه‌های هر خانواده آن‌قدر بود که سر سفره، پدر و مادر حساب

سرانگشتی برای حضور یکی‌یکی‌شان را بگیرند. شاید آن زمان قاعده و رسم این بود که بچه‌ها زیاد باشند تا زمانی که کودک هستند هم‌بازی باشند و وقتی بزرگ می‌شوند همچون کوه پشت هم. اما با گذشت زمان نسل به‌نسل از تعداد فرزندان هر خانواده کم شده، به طوری که کاهش باروری بعد از ازدواج در دستخوش تغییر کرده و در سرشماری سال ۹۵ بعد خانوار به ۳٫۳ نفر کاهش یافته است. میرحسینی علت کاهش باروری را به علل مختلف نسبت می‌دهد: «تغییر نگرش به فرزندآوری مهم‌ترین علت کاهش باروری

هزینه‌های بالای فرزندآوری و مشکلات اقتصادی باعث کاهش باروری شده، اما نتایج مطالعات نشان می‌دهد خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی در دهک‌های بالا قرار دارند، باروری پایین‌تری نسبت به دهک‌های دیگر دارند. در نتیجه مشکلات اقتصادی و تمی‌تواند علت اصلی باشد و همچنین تشویق‌های اقتصادی نیز نمی‌تواند به افزایش باروری بیجامد، بلکه این تغییر نگرش‌ها و نگاه مردم به فرزندآوری است که کاهش باروری را به وجود آورده است. ازدواج در سنین بالا، اولویت داشتن تحصیلات و پیداکردن شغل مناسب و درآمدزا اولویت بسیاری از جوانان است که این امر باعث شده تشکیل خانواده و به‌دنبال آن فرزندآوری به تعویق بیفتد، در نتیجه تأکید اصلی باید بر تغییر نگرش‌ها باشد.»

دایره محدود خویشاوندی

در حال حاضر علاوه بر این که خانواده کوچک شده، دایره خویشاوندی نیز روزبه‌روز محدودتر می‌شود. این روزها کودکان به‌ندرت اقوام دور خود را می‌شناسند و دایره خویشاوندی‌شان

به تعداد انگشتان دست می‌رسد. این‌روزها رفت‌وآمدهای فامیلی نسبت به قبل کمتر شده و نزدیک‌ترین اقوام هم بیش از سالی یکی دوبار همدیگر را نمی‌بینند. عده‌های فضاهای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و مدنی و مشغله‌های روزانه را علت آن می‌دانند و برخی از کم‌عاطفه‌شدن سخن می‌گویند. اما شاید رابطه علت و معلولی و به دلیل محدودشدن روابط خانوادگی باشد که افراد خود را با فضای مجازی سرگرم کرده‌اند، علت هرچه باشد روانشناسان معتقدند افرادی که با اقوام و خویشاوندان خود روابط محدودی دارند، بیشتر دچار افسردگی و گوشه‌گیری و سردی روابط می‌شوند. در قدیم وقتی مشکلی برای یکی از اعضای خانواده یا اقوام پیش می‌آمد، همه خویشاوندان بسیج می‌شدند تا مشکل او را حل کنند که این روابط در حال حاضر بسیار سرد و ضعیف شده است. برای مثال در قدیم اگر بچه‌ای بر اثر فوت پدر، مادر و نداشتن اقوام در چه یک بی‌سرپرست می‌شد، بقیه اقوام سرپرستی او را قبول می‌کردند، اما این‌روزها این سرپرستی‌ها محدود شده و نهادهای اجتماعی از جمله بهزیستی این وظایف را برعهده می‌گیرند.

چرا خانواده تغییر کرد؟

خانواده از ابتدا به این شکل و شمایل نبود و در طول زمان تغییر کرده، این همان مراحل رشد خانواده است که سمیرا میرحسینی، جامعه‌شناس درباره علل این تغییرات می‌گوید: «خانواده در طی زمان دستخوش تغییرات گسترده‌ای بوده است. این تغییرات در کشورهای توسعه‌یافته در اثر سه انقلاب کشاورزی، صنعتی و فناوری رخ داده، اما این تغییرات در ایران از سال ۱۳۱۰ و در طی سده مرحله به وقوع پیوسته است که مرحله نخست شامل برنامه‌های اسکان عشایر و خدمت وظیفه اجباری و... می‌شود که این مرحله باعث یکجانشینی بخش وسیعی از جمعیت عشایر و تغییر سبک زندگی و

خانوادگی آنها شد؛ مرحله دوم به اوایل دهه ۴۰ مربوط می‌شود که با اصلاحات ارضی و تغییرات حاصل‌شده خانواده‌های هسته‌ای متشکل از پدر، مادر و فرزندان به وجود آمد و مرحله سوم مربوط به ازسرگیری برنامه‌های تنظیم خانواده در دهه ۷۰ است که موجب به وجود آمدن خانواده هسته‌ای سالمند، بی‌فرزند و ناباور شد. در قدیم آموزش، جامعه‌پذیری و کار در خانواده انجام می‌گرفت، اما این‌روزها با گسترش نهادهای مختلف ازجمله مدرسه و رسانه‌ها نقش خانواده در آموزش فرزندان محدود شده است. از نظر بعد، خانواده از گسترده (وجود چند نسل زیر یک سقف) به هسته‌ای تغییر کرده که این نشان می‌دهد خانواده از جهات مختلفی تغییر کرده است.»

در نهایت باید گفت هر چه بر ابعاد و وسعت جامعه افزوده می‌شود، از وسعت و کارکرد خانواده کم می‌شود. همان‌طور که گفته شد، از مهم‌ترین علل تغییر خانواده مدرنیزاسیون و تأثیر آن بر جامعه است، اما آنچه اهمیت دارد این است که همه اقشار و خانواده‌ها به یک میزان تحت تأثیر مدرنیزاسیون قرار نگرفته‌اند، برخی از خانواده‌ها به‌طور کلی و برخی جزئی تحت تأثیر مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند که براساس میزان

رفت‌وآمدهای فامیلی

نسبت به قبل کمتر شده و

نزدیک‌ترین اقوام هم بیش

از سالی یکی دوبار همدیگر

را نمی‌بینند. عده‌های فضاهای

مجازی، شبکه‌های اجتماعی

ومدنی و مشغله‌های روزانه

را علت آن می‌دانند و برخی از

خانواده‌ها

از کم‌عاطفه‌شدن سخن

می‌گویند

بررسی رفتارهای پرخطر در معتادان

توجه به بازه‌های سنی مطرح‌شده در خصوص نخستین موارد مصرف مواد و اعتیاد که میانگین آنها در سنین جوانی بود، پیشنهاد می‌شود آموزش لازم در این گروه برای جلوگیری از آسیب و برنامه‌های آموزشی در رابطه با راه‌های جلوگیری از آلودگی تبیین و راه‌های عملی کاهش ابتلای جوانان به اعتیاد با زمینه‌سازی فرهنگی و علمی و اشتغالزایی فراهم شود. همچنین پیشنهاد می‌شود برای دسترسی به نتایج بهتر و دقیق‌تر مطالعاتی طولانی‌مدت در مراکز بیشتر که بررسی‌های بیشتری در خصوص شاخص‌های گوناگون مورد ارتباط با اعتیاد را بررسی کند در مقیاس وسیع‌تر و بررسی شاخص‌های آزمایشگاهی مناسب صورت گیرد.

بیماری‌های عفونی و توضیح راه‌های انتقال در موارد مشکوک احتمالی از آنها درخواست شود که برای انجام آزمایشات تشخیصی زودرس در نخستین فرصت مراجعه کنند. با توجه به موارد بالای خالکوبی توصیه‌های و معرفی رفتارهای پرخطر در جمعیت در منطقه مورد مطالعه ما پیشنهاد می‌شود از دسترسی معتادان به مواد مخدر و استفاده از سرنگ‌های آلوده که یکی از راه‌های انتقال مهم محسوب می‌شود، خودداری شود. همچنین با توجه به نتایج حاصله در خصوص پایین بودن سطح سواد جامعه مورد مطالعه می‌توان با برنامه‌های آموزشی مناسب در گروه‌های هدف مورد نظر در کمپ‌های ترک اعتیاد و کلینیک‌های ترک اعتیاد ضمن افزایش آگاهی معتادان در خصوص خطر ابتلای بالای آنها به

غیر تزریقی رو به افزایش بوده است، به طوری که در حال حاضر بیش از ۲۲۰ هزار معتاد تزریقی در ایران وجود دارد. اعتیاد به مواد مخدر بسیاری از رفتارهای طبیعی و معمول را در زندگی فرد معتاد مختل می‌کند و در فرد هیچ تمایلی برای پرداختن به تفریحات سالم و فعالیت‌های طبیعی باقی نمی‌گذارد. به طوری که فرد از نظر روانی همواره درگیر تپه و مصرف ماده مخدر است. احمد معصومی، محمدعلی ایرانی، نعمت ایرانی و سحر مرج پژه‌هشگران دانشگاه با توجه به روند روبه رشد مصرف مواد مخدر در کشور و به تبع آن در شهر قم و کرج شیوع بالای رفتارهای پرخطر در معتادان نسبت به جمعیت عمومی بر آن شدیم تا فراوانی

معتادان تقریباً هر ۱۰ سال دو برابر شده و سالانه ۸ درصد بر جمعیت آنان افزوده می‌شود که برای سلامت فرد و جامعه فردا رنگ خطر و تهدیدی جدی به شمار می‌رود. شیوع اعتیاد تزریقی در دنیا و متناسب با آن در ایران در حال افزایش است؛ گزارش شده است که ۱۱ میلیون نفر در دنیا مصرف‌کنندگان تزریقی مواد مخدر هستند. مطالعات انجام‌شده بروی روش استفاده از مواد مخدر در ایران نشان می‌دهد که ۹ الی ۱۶ درصد معتادان از روش تزریق مواد مخدر به‌عنوان روش اصلی یا روش دوم استفاده می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر در ۱۲ سال گذشته سیر صعودی داشته و تعداد مصرف‌کنندگان تزریقی مواد مخدر بیشتر از مصرف‌کنندگان

اعتیاد عوارض بسیار جدی و عمیقی روی سلامت جسمی و روحی-روانی فرد، زندگی خانوادگی، اقتصاد، امنیت و رشد فرهنگی جامعه می‌گذارد. اعتیاد به مواد مخدر بسیاری از رفتارهای طبیعی و معمول را در زندگی فرد معتاد مختل می‌کند و در فرد هیچ تمایلی برای پرداختن به تفریحات سالم و فعالیت‌های طبیعی باقی نمی‌گذارد. افراد معتاد به مواد مخدر یکی از قشرهای پرخطر و با معرض خطر جامعه محسوب می‌شوند. از جمله رفتارهای شناخته‌شده در این گروه تزریق مواد مخدر و روابط جنسی مشکوک است که به‌عنوان ریسک‌فاکتور مهم در انتقال برخی عفونت‌های ویروسی همواره مطرح هستند. طبق گزارشات موجود، تعداد